



Methods of Supporting Women Victims in the Field of Financial Crimes in the Light of Differential Approach in Iranian Law

Mohammadreza Mahmoudi^{*1}, Mahdi Sabouripour², Bagher Shamlou³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 215-228

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +9880000000000

Email: m_sabooripour@sbu.ac.ir

Article history:

Received: 01 Aug 2024

Revised: 10 Oct 2024

Accepted: 11 Nov 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Victimization, Women,
Differential Criminal Policy,
Financial Crimes.

ABSTRACT

The victimization of women is a worrying phenomenon in today's societies, because women, in addition to being victimized by crimes, also bear the burden of being victimized by the economic, cultural, and political structure. Based on this, the aim of this article is to investigate the methods of supporting women victims in the field of financial crimes. This article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned subject by using the library method. The findings indicate that supporting women's victimization in financial crimes in judicial criminal policy, in legislative criminal policy and in executive criminal policy is one of the most important ways to support women's victimization in the field of financial crimes. Increasing the risk of committing a crime against women by increasing the criminal cost of committing a crime can affect the selection process by criminals and thus reduce the rate of women's victimization. Therefore, it is necessary to adopt a differential criminal policy through the mechanism of special criminalization and intensifying the punishment of criminals whose victim is a woman, but in Iran, due to the lack of sufficient criminal protections and the lack of a differential criminal policy, the victimization of women is increasing. Accordingly, it is necessary to adopt a differential criminal policy to reduce crimes against women.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Mahmoudi, M; Sabouripour, M & Shamlou, B (2024). "Methods of Supporting Women Victims in the Field of Financial Crimes in the Light of Differential Approach in Iranian Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4): 215-228.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

روش‌های حمایت از بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرایم مالی در پرتو رویکرد افتراقی در حقوق ایران

محمدرضا محمودی^{۱*}، مهدی صبوری‌پور^۲، باقر شاملو^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

بزه‌دیدگی زنان پدیده‌ای نگران‌کننده در جوامع کنونی است، زیرا زنان علاوه بر بزه‌دیدگی ناشی از جرایم، بار بزه‌دیدگی ناشی از ساختار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی را نیز به دوش می‌کشند. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی روش‌های حمایت از بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرایم مالی است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که حمایت از بزه‌دیدگی زنان در جرایم مالی در سیاست جنایی قضایی، در سیاست جنایی تقنینی و در سیاست جنایی اجرایی از مهم‌ترین روش‌های حمایت از بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرایم مالی است. بالابردن خطر ارتکاب جرم بر زوی زنان از طریق بالابردن هزینه کیفری ارتکاب جرم می‌تواند در فرآیند گزینش آن‌ها توسط بزه‌کاران تأثیر گذاشته و در نتیجه ضریب بزه‌دیدگی زنان را کاهش دهد. بنابراین اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی از طریق سازوکار جرم‌انگاری‌های ویژه و تشدید کیفر بزه‌کارانی که بزه‌دیده آن‌ها یک زن است، ضروری است. با این حال، در ایران به دلیل عدم وجود حمایت‌های کیفری کافی و عدم اتخاذ سیاست کیفری افتراقی بزه‌دیدگی زنان در حال افزایش است. بر همین اساس، اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی جهت کاهش جرایم علیه زنان ضروری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱۵-۲۲۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:-.....-.....-.....

تلفن: +۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: m_sabooripour@sbu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

بزه‌دیدگی، زنان، سیاست جنایی افتراقی، جرایم مالی.



مقدمه

در روند تکامل تفکرات علوم کیفری با گذر از مفهوم مجرد حقوقی پدیده جنایی که همان فعل و انفعال یا ترک فعلی که محل نظم اجتماعی است که جامعه برای مقابله با آن به تدابیر کیفری متوسل می‌شود و پس از مد نظر قراردادن واقعیت انسانی و اجتماعی جرم که تعامل بزهکار و حالت خطرناک است، بزه‌دیده همان ضلع سوم پدیده جنایی در نظر گرفته شد. بزه‌دیده، یعنی همان کسی که بزه بر او واقع شده است که مورد غایت محققان علوم جنایی قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل بزه‌دیدگی ضعف و ناتوانی افراد می‌باشد. همان‌گونه که در نظام طبیعت همواره گونه‌های ضعیف بیشتر از سایرین در معرض نابودی هستند، در جامعه انسانی نیز گروه‌هایی چون کودکان و سالمندان از حیث بدنی و زنان و دختران از جنبه حیثیتی از سایرین ناتوان‌تر بوده و مستعد بزه‌دیده واقع شدن هستند و به همین دلیل به حمایت‌های ویژه نیاز دارند.

گسترش فزاینده خشونت بر دختران و زنان در سراسر دنیا، به خوبی نشان‌دهنده اهمیت توجه به آن و ضرورت تدوین یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر در این زمینه می‌باشد. با این وجود به نظر می‌رسد قانون‌گذار در برابر جرایم خشونت‌بار نسبت به زنان، علی‌رغم توجه به مسأله و طرح و تدوین برخی سیاست‌های کیفری، همچنان موفق به اتخاذ سیاست منسجمی نشده و در اغلب موارد در قالب تدابیر عام و کلی و مقررات پراکنده خاص، به حمایت از زنان پرداخته است. در عین حال، قوانین موجود بیشتر ناظر به خشونت‌های جسمانی اند، بی‌آنکه مصادیق خشونت‌های روانی و مالی را دربر گیرند. به همین دلیل، سیاست جنایی ایران به لحاظ عدم توجه به ارکان یک سیاست جنایی سنجیده مثل تدابیر پیشگیرانه خاص جهت جلوگیری از خشونت علیه زنان و تدابیر حمایتی کیفری و غیرکیفری و تکیه بیش از حد به کیفر، آن هم کیفر تبعیض آمیز، موجب شده تا کارآمدی لازم را در قبال خشونت علیه زنان نداشته باشد. با گسترش شهرنشینی به علت وجود مهاجرت‌های مکرر افراد و تحرک‌های فیزیکی و مکانی‌شان، افراد ساکن در محله‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند و روابط رودررو و مستقیم بسیار کمی با یکدیگر دارند، درحالی‌که تعاملات و

همبستگی مکانیکی در درون محلات و در روابط همسایگان به عنوان مهم‌ترین ابزار نظارتی و کنترلی غیررسمی، می‌تواند از بسیاری از جرایم و بزهکاری بکاهد. درخصوص بزه‌دیدگی زنان، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: مهسا رضاقلی، در مقاله‌ای به بررسی تلاش‌های ملی و فراملی در راستای حمایت از زنان خشونت‌دیده با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته است (رضاقلی، ۱۴۰۰: ۷۶-۵۹). حمید ابراهیمی، فریبا شایگان، عبدالله هندیانی و اسماعیل احمدی مقدم، در مقاله، شاخص‌های تدوین راهبردهای پلیس برای پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۸-۱۰۰). همچنین مهدیه وجدانی فخر و شهرداد دارابی، در مقاله‌ای، شروع به قتل عمد را با تأکید بر بزه‌دیدگی زنان از منظر حقوقی و جرم‌شناختی بررسی کرده‌اند (وجدانی فخر و دارابی، ۱۴۰۱: ۱۸-۱). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله، روش‌های حمایت از بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرایم مالی در پرتو رویکرد افتراقی بررسی می‌شود. براساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که روش‌های قانون‌گذار در حمایت از بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرایم مالی کدام است و آیا اساس قانون‌گذار قائل به رویکرد افتراقی در این خصوص بوده است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا بزه‌دیده‌شناسی زنان و رویکردهای ناظر بر بزه‌دیدگی زنان بررسی می‌شود و در ادامه از روش‌های حمایت از بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرایم مالی و ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی بحث شده است.

۱- بزه‌دیده‌شناسی زنان و رویکردهای ناظر بر بزه‌دیدگی زنان

در این قسمت به بررسی بزه‌دیده‌شناسی زنان و رویکردهای ناظر بر بزه‌دیدگی زنان پرداخته می‌شود.

۱-۱- بزه‌دیده‌شناسی زنان

بزه‌دیدگی، عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه‌دیدگی می‌گویند. عمل مجرمانه‌ای که شخص قربانی آن می‌گردد، می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد، فردی هم که قربانی چنین عمل مجرمانه‌ای قرار می‌گیرد، ممکن است زن، مرد، پیر یا جوان باشد، به عبارتی همان‌گونه که جرایم

متنوع هستند، بزه‌دیدگان هم متنوع و گوناگون‌اند (لعلی، ۱۳۹۶: ۱۵).

«بزه‌دیده یکی از طرفین دعوای کیفری است که در نتیجه یک عمل مجرمانه مورد صدمه و آسیب قرار گرفته و در نهایت متحمل خسارت اعم از مالی جسمی یا روانی گشته است. اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت نیز در ماده ۱ بزه‌دیده را شخص یا اشخاصی که بر اثر فعل یا ترک فعلی که جرم تلقی می‌شود، متحمل صدمات بدنی و روانی معنوی و اقتصادی شده یا به حقوق اساسی آن‌ها آسیب جدی وارد شده است» (معمودی مهر، ۱۳۸۰: ۷۲).

از نظر فقه اسلامی و قانون ایران زن استقلال مالی دارد. براساس مفاد قانون مدنی ایران میان زن و مرد حالت اشتراک مالی که در برخی نظام‌ها دیده می‌شود، وجود ندارد. افزون بر آن مرد ملزم به پرداخت نفقه است. نوع و ماهیت جرایم فوق به‌عنوان چند نمونه از جرایمی که علیه زنان ارتکاب یابد، گویای این امر است که این‌گونه جرایم بیشتر با تکرار و استمرار همراه هستند و از همه مهم‌تر می‌توان به پدیدآمدن آسیب‌های پایدار و در نتیجه بزه‌دیده‌شدن زن به‌شکلی خاص به‌عنوان تبعات منفی این جرایم اشاره کرد.

در یک تقسیم‌بندی بزه‌دیدگی را می‌توان به دو گروه بزه‌دیدگی خرد و بزه‌دیدگی در سطح کلان تقسیم‌بندی کرد. بزه‌دیدگی در سطح خرد همان بزه‌دیدگی ناشی از جرایم است و بزه‌دیدگی در سطح کلان بزه‌دیدگی ساختاری است که ناشی از نگرش اجتماعی و فرهنگی به زنان دارای اثرات سیاسی، اقتصادی و حقوقی می‌شود. رقم سیاه مربوط به بزه‌دیدگی زنان در حد بالایی است، زیرا زنان تمایلی به گزارش ندارند و غالباً آن را تحمل می‌کنند. دلایل عدم گزارش و تحمل چنین خشونت‌هایی می‌تواند وابستگی اقتصادی، فقدان آموزش و تعلیم، مقصردانستن خود و پذیرش این‌که این وضعیت سرنوشت و تقدیر آن بوده و ترس از تحقیر و توهین واقع‌شدن باشد.

۱-۲- بزه‌دیده‌شناسی زنان

«زنان از لحاظ وضعیت جسمانی و عوامل زیستی، در مقایسه با مردان ضعیف‌تر هستند و همین نابرابری در توانایی‌های جسمی، یکی از موجبات بزه‌دیدگی آنان است. در جرایمی مثل جرایم خشونت‌بار، آدم‌ربایی و یا خشونت‌های خانوادگی، مسلماً ضعف قدرت دفاعی زنان در مقابل، آنان را بیشتر قربانی چنین وضعیت‌هایی قرار می‌دهد. همچنین در تجاوزات جنسی، یکی از عواملی که باعث موفقیت مجرم در انجام نیت پلید خود می‌شود، همانا قدرت جسمی برتر مردان و عدم توانایی زنان در دفاع از خود در برابر چنین تعدیاتی است. از لحاظ روانی نیز زنان به‌دلیل طبع لطیف و درآمیختگی عواطف و احساسات باوجود آنان و دخالت این عوامل در بعضی تصمیم‌گیری‌های آنان ممکن است دچار غفلت و بی‌احتیاطی شده، زود تحت تأثیر مسائل و موقعیت‌های خارجی قرار گیرند و اغوا شوند و یا با اعتماد بی‌دلیل، باعث آسیب‌پذیری خود گردند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۹۲).

علاوه بر این، «موقعیت زن از نظر اجتماعی و اهمیتی که جامعه برای وی قائل است و نگرش‌های موجود به وی نیز از جمله عوامل بزه‌دیدگی زنان در بعضی موارد است. اعتقادات و آداب و رسوم یک جامعه نیز در این راستا نقش مؤثری دارد. به‌عنوان مثال در جامعه‌ای که زنان موجوداتی پست‌تر از مردان و طفیلی و درجه دوم تلقی شوند، مسلماً در معرض انواع تبعیض و تزییع حقوق انسان و از نظر مالی در معرض خشونت و بهره‌کشی قرار می‌گیرند، اما این نوع بزه‌دیدگی به‌علت آمیخته‌شدن با نوع فرهنگ و نگرش جامعه، چندان مورد اعتراض قرار نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال ماده ۱۰ قانون انتخابات مجلس شورای ملی که توسط نخستین نمایندگان مجلس در ۱۳۲۹ قمری (۱۲۸۵ خورشیدی) تصویب شده، زنان را هم‌ردیف با محجوران، مرتدان، متکدیان، قاتلان، سارقان و ... از شرکت در انتخابات و رأی‌دادن ممنوع می‌کرد» (رهگذر، ۱۳۹۰: ۳۳).

«چنین برخوردهایی سبب شده است زنان خود نیز به‌عنوان موجوداتی درجه دوم و وابسته و تبعی در خود بنگرند و بسیاری از ظلم‌هایی را که به آنان می‌رود، به‌عنوان ضرورت یا نتیجه اجتناب‌ناپذیر موقعیت اجتماعی خود پذیرفته و در مقابل آن اعتراضی به عمل نیاورند. نمونه دیگری که زنان و دختران به

فمینیست‌ها آغاز شد و بر حمایت از زنان بزه‌دیده و ارائه راهکارهایی در این زمینه تأکید داشت» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

۱- رویکرد سنتی: ازجمله این پژوهش را می‌توان به مطالعات امیر و کریستین و پژوهش پادووتیز اشاره کرد. همچنین تحقیقات پیرامون جرایمی همچون جرایم جنسی و سوءقصد‌های جنسی علیه زنان و زن در کشورهایی همچون آلمان، اتریش و انگلستان انجام شد (وان دیک، ۱۳۸۷: ۴۵۹-۴۳۱).

بر مبنای این دسته از تحقیقات اعتقاد به این شکل گرفت که بسیاری از زنان در قربانی‌شدن خود نقش مؤثری دارند.

۲- رویکرد حمایتی: شعار طرفداران این جریان بزه‌دیده‌شناسانه که از دریچه مثبت به زنان قربانی می‌نگریست، این بود که بزه‌دیده‌شناسی نباید درصدد یافتن تقصیر بزه‌دیدگان باشد، بلکه باید به آنان کمک کند و بدون ملاحظه سهم بزه‌دیده در وقوع جرم محور توجه خود را بر حمایت از او به‌عنوان یک اصل معطوف کند، این رویکرد نسبت به بزه‌دیدگی زنان پیامدهای مثبتی را در پی داشت.

۳- رویکرد اسلامی: در سیاست جنایی اسلام بیش از همه چیز بر راهبردهای تربیتی با محوریت اخلاق تأکید شده است. در برخی از متون اسلامی و روایات معصومین توصیه و سفارشات به‌ویژه به زنان در رابطه با کاهش یا حذف فرصت‌های بزهکاری و ترک اعمالی که زمینه‌ساز ارتکاب جرم هستند، با تکیه بر دقت کنترل‌کننده‌های بیرونی و کنترل‌کننده‌های درونی وجود دارد، البته اگر برنامه‌های پیشگیری اسلام را با محوریت حمایت از زنان بزه‌دیده در نظر بگیریم، می‌توانیم شاهد گستره وسیعی از اقدامات باشیم که به حمایت از زنان تأثیر بیشتری می‌بخشد. حمایت از زنان بیوه و مطلقه، بدسرپرست، سرپرست خانوار، حمایت از زنانی که در خانواده مورد ستم واقع می‌شوند و پیش‌بینی مقررات برای طلاق و زنانی که در معرض فشار و آزار جنسی هستند، ازجمله مواردی است که سیاست جنایی اسلام در حمایت از زنان دارد.

۲- روش‌های حمایت از بزه‌دیدگی زنان در جرایم مالی

دلیل ملاحظات اجتماعی و فرهنگی از اعلام جرم علیه بزهکار خودداری می‌نمایند، در منافیات عفت است که به‌دلیل حفظ آبرو و یا شاید به‌دلیل عدم اعتماد به دستگاه قضایی در مجازات کردن بزهکار، پرده‌پوشی می‌کنند و همین امر احتمالاً موجب سوءاستفاده و تکرار بزه از سوی بزهکار می‌گردد. درمجموع ساختار اجتماعی و فرهنگی می‌تواند مانع از توسعه وضعیت اجتماعی زنان شده و در نتیجه زنان را به‌دلیل بی‌سوادی بیشتر و عدم آگاهی از حقوق خود، بیشتر در معرض تضییع حقوق و بزه‌دیدگی قرار دهد» (رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸).

«همچنین از نظر اقتصادی، وابستگی اقتصادی زنان به مردان (پدر قبل از ازدواج و شوهر بعد از ازدواج) سبب می‌شود که زن در مقابل تعدیاتی که به او روا داشته می‌شود، سکوت کند و مرد که قدرت برتر اقتصادی در چنین خانواده‌هایی محسوب می‌شود، به خودکامگی و استبداد روی آورده و زن نگران از قطع این وابستگی و ممر معاش، مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار گیرد و یا در مقابل خشونت خانگی که بالاترین نرخ بزه‌دیدگی زنان را به خود اختصاص می‌دهد، هیچ واکنشی از خود نشان نداده، با قبول این وضعیت صبر و تحمل پیشه سازد. این‌گونه عوامل در تشکیل رقم سیاه ارتکاب جرم نقش به سزایی دارد و بسیاری از جرایم ارتكابی علیه زنان به سبب این ملاحظات، گزارش نشده باقی می‌ماند» (بهرام‌نیا و نصیری سقرلو، ۱۳۹۶: ۱۷).

تنها در پی نتایج و تحقیقات و یافته‌های فمینیستی به‌ویژه فمینیسم تجربه‌گرا و با انتشار کتاب جنبش دوم اثر سیمون دوبوار فرانسوی جمعیت زنان بزه‌دیده در مطالعات جرم‌شناسی مورد توجه واقع شد و سه تن از فمینیسم‌ها با نام‌های دوری کلین، ماری آندره برتراند و فرانسیس هیدنسون یافته‌های آماری جرم‌شناسی را این‌گونه به نقد کشیده‌اند که چرا جرم‌شناسی سنتی علاقه‌ای به بررسی بالا بودن نرخ بزه‌دیدگی زنان را ندارد؟ و درحقیقت بزه‌دیده‌شناسی زنان شاهد دو تحول عمده در تاریخ خود بوده است. «تحول نخست به رویکردی مربوط می‌شود که بر نقش زنان بزه‌دیده و تقصیر آنان در فرآیند ارتکاب جرم تأکید می‌کند و تحول دوم ناظر بر رویکردی است که بیشتر از اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تلاش و مبارزه

منطبق با واقعیت‌های زنانه منتج شود و دقیقاً از همین نظر است که برخی معتقدند «حضور دادرسان زن می‌تواند به دادرسان مرد کمک کند تا مسائل مربوط به زنان بزه‌دیده و مجرم را با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار دهند؛ از فشارهای وارده بر وکلای زن در دادرسی‌های کیفری بکاهند و در مجموع با آگاهی‌های بیشتر در مورد رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به زنان تصمیم‌گیری کنند» (طهران‌گار، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۵).

«بی‌شک حاکمیت افکار مردسالارانه که امروزه در اکثر جوامع به چشم می‌خورد، می‌تواند موانعی را بر سر حمایت‌های پیشگیرانه از زنان فراهم سازد. در این فضای مردسالارانه، کمبود نیروهای آموزش‌دیده زن نسبت به مردان، مزید بر علت شده و این موانع را بیشتر می‌کند، هرچند در جامعه ایرانی امکان حضور زنان در نیروهای پلیس وجود دارد و طرح استخدام زنان در نیروهای انتظامی در راستای ماده ۲۰ مقررات نیروی انتظامی مصوب ۱۳۴۷ جنبه رسمی یافته است، هنوز جای شاخه‌های آموزش‌دیده پلیس زن که به‌طور مستقل برای مبارزه با بزه‌دیدگی و خشونت‌گرایی جنسیت‌مآبانه و حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت آموزش‌دیده باشند، خالی است. کمبود نیروهای پلیسی آموزش‌دیده در شناسایی قربانیان بالقوه خشونت‌های جنسیت‌مآبانه فقدان یا کمبود نیروهای پلیس زن در مفهوم حرفه‌ای و تخصصی، نبود شاخه‌های مجرب پلیسی برای حمایت فوری از زنان پناهنده، عدم تعقیب به‌هنگام مردان خشونت‌گرا بلافاصله پس از اولین گزارش و ضعف اقدامات تأمینی نسبت به عاملین تهدیدکننده خشونت‌های جنسی و خانوادگی علیه زنان، از نواقض موجود است» (عظیم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۵۲-۲۰۵).

دادرسی صحیح و عادلانه طوری که باعث اعتماد زنان به سیستم عدالت کیفری شود، خود باعث کاهش آمار رقم سیاه بزهکاری زنان می‌شود. زیرا زنانی که دچار بزه‌دیدگی مالی در بستر خانواده می‌شوند، به‌علت طولانی‌شدن دادرسی‌ها و یا ترس از شکست و سرخوردگی به‌دنبال احقاق حق خود نمی‌روند و این امر از طریق سردشدن روابط خانوادگی، ضربه و آسیب‌های روحی به کودکان و ... می‌شود.

در این رابطه می‌توان به داده‌های ذیل اشاره کرد:

«مشکلات بسیاری درخصوص شناخت علل و عوامل بزه‌دیدگی وجود دارد که ازجمله آن‌ها نداشتن آمار دقیق از بزه‌دیدگان وجود دارد. رقم سیاه وجود دارد و وقتی در ایران آمار بزه‌دیدگان موجود نباشد، امکان تحلیل و بررسی علل و عوامل بزه‌دیدگی کاهش می‌یابد و تا زمانی که چنین آمار موجود نباشد، این امر در ایران به‌شکل کاربردی میسر نمی‌شود، زیرا برای پیشگیری از بزه‌دیدگی لازم است که شهروندان را با قوانین آشنا کنیم و سطح آموزش و تعلیمات را برای آن‌ها بالا ببریم، یعنی راهکارهای ممانعت از بزه‌دیدگی را به اطلاع افراد برسانیم تا شاید بدین‌وسیله از میزان افرادی که بزه‌دیده می‌شوند، کاسته شود» (الستی و حسن‌پور، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۴).

بزه‌دیدگی زنان در اغلب کشورها یکی از قلمروهایی است که سیاست جنایی ناگزیر به مداخله در آن و تنظیم برنامه‌های ویژه در قبال آن شده است. بعضی طبقات همچون زنان به‌دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، پیش‌زمینه و استعداد قبلی برای بزه‌دیده واقع‌شدن دارند و براساس یافته‌های جرم‌شناختی، بزهکاران بالقوه قربانیان خود را غالباً از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم بر روی آن‌ها دارای خطر و هزینه بالایی نباشد. بنابراین زنان به‌عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر از مردان، آماج‌های مطلوبی برای آن‌ها محسوب می‌شوند. در این قسمت تلاش شده روش‌های حمایت از بزه‌دیدگی زنان در جرایم مالی بررسی شود.

۱-۲- حمایت از بزه‌دیدگی زنان در سیاست جنایی قضایی

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، اگرچه به جایگاه جنسیتی متهم و محکوم‌علیه توجه نموده و دارای موادی درجهت حمایت از آن‌ها در پروسه فرایند کیفری است، اما در قالب بزه‌دیدگی جنسیتی و حمایت از آن، مواد به‌خصوصی در قالب یک آیین دادرسی کیفری افتراقی و ویژه نمی‌توان یافت.

اعتقاد بر این است که آیین دادرسی ایران، یک آیین دادرسی مردانه است. بسیاری از مقررات آن باتوجه به موقعیت و وضعیت یک مرد متعارف در جامعه تنظیم شده‌اند که نتیجه آن برتری مشهود مردان نسبت به زنان است. همچنین در مراحل دادرسی کیفری نیز حضور پرشمار دادرسان و ظابطان قضایی مرد می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های متأثر از ذهنیت مردانه و نه

آیا تا به حال به‌خاطر سرقت اموال شخصی خود به پلیس یا مراجع قضایی مراجعه کرده‌اید؟

زیاد	۶	۵.۳٪
خیلی زیاد	۳	۲.۷٪
جمع	۱۱۳	۱۰۰٪

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
بلی	۷۳	۴۴.۵٪
خیر	۹۱	۵۵.۵٪
جمع	۱۶۴	۱۰۰٪

به‌نظر شما تا چه اندازه رسیدگی به پرونده زنان و مردان با هم تفاوت دارد؟

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
خیلی کم	۲۶	۱۷.۴٪
کم	۲۶	۱۷.۴٪
متوسط	۳۹	۲۶.۲٪
زیاد	۳۷	۲۴.۸٪
خیلی زیاد	۲۱	۱۴.۱٪
جمع	۱۴۹	۱۰۰٪

هنگام مراجعه به مراجع قضایی پرونده شما با چه دقتی مورد رسیدگی قرار گرفت؟

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
خیلی کم	۴۴	۳۸.۳٪
کم	۱۷	۱۴.۸٪
متوسط	۴۶	۴۰٪
زیاد	۶	۵.۲٪
خیلی زیاد	۲	۱.۷٪
جمع	۱۱۵	۱۰۰٪

به‌نظر شما تا چه اندازه رسیدگی به پرونده قضایی زنان همراه با حق‌کشی است؟

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
خیلی کم	۲۷	۱۸.۲٪
کم	۲۴	۱۶.۲٪
متوسط	۴۳	۲۹.۱٪
زیاد	۳۴	۲۳٪
خیلی زیاد	۲۰	۱۳.۵٪
جمع	۱۴۸	۱۰۰٪

تا چه اندازه روند رسیدگی به پرونده شما عادلانه بود؟

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
خیلی کم	۳۶	۳۱.۹٪
کم	۲۳	۲۰.۴٪
متوسط	۴۵	۳۹.۸٪

به‌نظر شما بین قاضی مرد و زن در رسیدگی به پرونده تفاوت وجود دارد؟

درصد فراوانی	فراوانی پاسخ	گزینه
۲۴٫۵٪	۳۷	خیلی کم
۱۷٫۲٪	۲۶	کم
۲۱٫۹٪	۳۳	متوسط
۲۱٫۲٪	۳۲	زیاد
۱۵٫۲٪	۲۳	خیلی زیاد
۱۰۰٪	۱۵۱	جمع

امکان محاسبه فاضل دیه از دیون مرد به صاحب حق قصاص (زن یا اولیای دم)، امکان پرداخت فاضل دیه به مرد جانی از بیت‌المال برای قصاص نمودن مرد جانی و در قسمت دیه می‌توان به پرداخت فاضل دیه زن از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی اشاره کرد. نقد مهمی که بر قانون وارد است، پیش‌بینی جبران فاضل دیه زن از صندوق تأمین خسارات بدنی است که باتوجه به ماهیت غیردولتی و هدف تأسیس آن ناصواب است.

۲- ترک انفاق: ترک انفاق از جرایم مالی قابل گذشت است و هدف از جرم‌انگاری آن، حمایت از وضعیت مالی زوجه و سایر اشخاص واجب‌النفقة در خانواده است.

قانون‌گذار در ماده ۶۴۲ به جرم‌انگاری افتراقی درجهت حمایت هرچه بیشتر زنان نسبت به حقوق خانوادگی آن‌ها پرداخته است که این اقدام قانون‌گذار ایران در جلوگیری از عسر و حرج زن در محیط خانواده و کاهش آسیب‌های روانی بر وی قابل تقدیر است. ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده ماده ۶۴۲ را نسخ کرده است و مجازات مرتکب را تشدید کرده است.

۳- قاچاق زنان: در این رابطه قانون‌گذار در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان را تصویب کرده است، اما نقدهایی به آن وارد است و به جرم‌انگاری افتراقی برای زنان پرداخته نشده است.

یکی از عمده‌ترین ایرادات وارده بر قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ را می‌توان نادیده گرفتن مسأله حمایت از بزه‌دیدگان و پیشگیری از وقوع جرم دانست. این امر باعث شد که نه‌تنها پیشگیری از جرم محقق نگردد، بلکه راه برای شناسایی باندهای بزهکار از طریق راهنمایی بزه‌دیدگان کاملاً مسدود گردد. ایراد دیگر این‌که در این قانون از عبارات مبهمی استفاده شده است که در برخی موارد تشخیص آن مشکل است. برای مثال ماده ۲ از تشکیل دسته یا گروه صحبت کرده است، بدون این‌که ملاکی در تعیین دسته و گروه ارائه دهد. درنهایت می‌توان گفت که بهترین راهکار این است که قانون‌گذار به‌طور صریح این ابهامات را رفع کند تا جلوی هرگونه اختلاف نظر گرفته شود. باتوجه به نتایج گفته‌شده می‌توان پیشنهادهای ارائه

۲-۲- حمایت از بزه‌دیدگی زنان در سیاست جنایی تقنینی

«قانون‌گذار باتوجه ویژه به زنان در قانون کیفری از طریق جرم دانستن برخی رفتارها و پیش‌بینی پاسخ‌های متفاوت و شدیدتر برای آن‌ها، درصدد بالابردن هزینه کیفری ارتکاب جرم علیه زنان است. در این رهیافت، قانون کیفری نقش پیشگیری کیفری خود را از طریق تهدید بالقوه و بالفعل افراد به اعمال ضمانت اجرای کیفری ایفا می‌کند. اهمیت قانون‌گذاری در بهبود شرایط زنان از آن جهت است که به‌دلیل عجین شدن قوانین با تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی شهروندان، به‌طور قطع، آن‌ها سرنوشت خود را مرهون رویکرد قانون‌گذار می‌دانند، زیرا اندیشه قانون‌گذاری تبلوری از اندیشه اکثریت جامعه‌هایی است که ایشان را به‌عنوان نمایندگان خود برگزیده اند، پس تصمیمات قانون‌گذار طبعاً انعکاسی از برآورده‌سازی مطالبات جامعه است و زنان نیز از این حیث چشم به کمک قانون‌گذار دوخته‌اند. بنابراین در راستای پیشگیری از وقوع خشونت علیه زنان و کاستن موقعیت‌های بالقوه، تصویب مقرراتی به‌منظور پویایی لازم و پرکردن خلأهای حمایتی ضروری به‌نظر می‌رسد» (عظیم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۵۲-۲۰۵).

در ادامه به جرایم مالی که در قانون به آن‌ها پرداخته شده است، می‌پردازیم.

۱- قصاص و دیه: برخی راهکارهای جدید قانون‌گذار در زمینه قصاص عبارت‌اند از امکان الزام مرد جانی به پرداخت دیه زن،

برداری به ۲ دسته مشدد و ساده تقسیم شده است، در صورتی که مرتکب برخلاف واقع، خود را به عنوان یا دارای سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراهای، شهرداری‌ها و نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی قلمداد نموده و یا جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی باشد یا مرتکب کارکنان نهادهای نامبرده باشد، کلاهبرداری از نوع مشدده خواهد بود. در غیر این صورت کلاهبرداری ساده است. مجازات کلاهبرداری ساده علاوه بر رد مال، ۱ تا ۷ سال حبس و جزای نقدی معادل مالی که کلاهبردار اخذ نموده، می‌باشد. مجازات کلاهبرداری مشدده حبس ۲ تا ۱۰ سال و انفصال ابد از خدمات عمومی و پرداخت جزای نقدی معادل مال اخذ شده می‌باشد. در خصوص کلاهبرداری از زنان، قانون‌گذار رویکرد افتراقی در پیش نگرفته است.

۲-۳- حمایت از بزه‌دیدگی زنان در سیاست جنایی اجرایی

«سومین رکن در راستای سیاست جنایی واحد در سطح ملی، سیاستی است که از سوی قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور در راستای تطبیق و اجرای سیاست جنایی اتخاذ شده از سوی قوه مقننه، در پیش گرفته می‌شود. بنابراین سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه قضایی موجود است، سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد. نقشی که در سطح کلان به وظیفه پلیس در تأمین امنیت داخلی کشور برمی‌گردد: ۱- تشکیل و توسعه مراکز مشاوره حقوقی: تخصیص بودجه و استفاده از امکانات تخصصی و بهره‌مندی از کارشناسان برای تشکیل و توسعه مراکز دولتی و غیردولتی مشاوره حقوقی و قضایی، در زمره یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حمایت از زنان بزه‌دیده در سیاست جنایی افتراقی است. این مراکز می‌توانند زنان بزه‌دیده را با کمک نیروهای متخصص و آموزش‌دیده خود شناسایی کرده و به صورت رایگان یا با کمترین هزینه به ارائه اطلاعات مشاوره‌ای در زمینه مسائل حقوقی و قضایی، خانوادگی، حل اختلاف زوجین و ... بپردازند یا با همکاری نهادهای حقوقی و قضایی اطلاعات زنان را در زمینه قوانین حمایتی و امکان عملی برخورد قضایی و کیفری با مجرمان، بالا برند و مسیر

داد که شامل اصلاح تعریف قانونی و انطباق با تعریف کنوانسیون و پروتکل بین‌المللی، جرم‌انگاری قاچاق در درون مرزها، تعریف جرم سازمان‌یافته و رفع ابهامات موجود به طور صریح، توجه به بحث قاچاق اعضای بدن، تشدید مجازات قاچاق زنان، نظیر اشخاص کمتر از ۱۸ سال، تشدید مجازات به علت استفاده از سلاح و در شرایط حوادث غیرمترقبه و زمان و مکان خاص، توجه به موضوع تعدد معنوی جرم به جای اولویت مجازات اسلام، پیش‌بینی مجازات معاونت همانند مباشر در صورت سازمان‌یافتگی، پیش‌بینی مقررات پیشگیری از قاچاق، تعیین ضمانت اجرای تبعی و تکمیلی و اقدامات تأمینی، عدم اعمال تخفیف قانونی برای مرتکبان قاچاق، حمایت از بزه‌دیده در صورت بازگشت به کشور، معافیت بزه‌دیده از مجازات و حمایت در فرایند دادرسی، دادرسی ویژه برای رسیدگی به پرونده قاچاق، تشدید اقدامات امنیتی در مرزهای کشور است (گلستانی، ۱۳۹۷: ۹-۲).

۴- مهریه: آنچه مسلم است، در قوانین ایران زن در زندگی زناشویی شریک مالی مرد محسوب نمی‌شود، فقط چنانچه طلاق حسب خواسته مصرانه شوهر واقع گردد و تقصیری متوجه زن نباشد، به استناد قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۱ مبلغی بابت حق الزحمه ایام زوجیت تعیین نموده و شوهر را مکلف می‌سازد تا هم‌زمان با اجرای صیغه طلاق، آن را نیز مانند مهریه و نفقه ایام عده (سه ماه و ده روز) به زن بپردازد، اما فرمول خاصی برای تعیین رقم حق الزحمه تاکنون تعیین نشده است و رأی وحدت رویه هم وجود ندارد.

۵- کلاهبرداری: از جمله مهم‌ترین جرایم مالی و جرایم علیه اموال جرم کلاهبرداری است.

موضوع کلاهبرداری مالی از زنان از طریق فضای سایبر می‌تواند شامل ازدواج تقلبی، فروش کالای تقلبی یا کالایی که وجود ندارد، کلاهبرداری به بهانه فروش وسایل دست دوم، کلاهبرداری از جویندگان کار، برنده خیالی، کلاهبرداری یا ایمیل جعلی و ... صورت گیرد. از دید قانون‌گذار، کلاهبرداری جرمی است که در آن فرد با استفاده از حيله و نیرنگ، اعتماد دیگران را جلب کرده و با فریب اشخاص، مال یا اموالشان را به صورت غیرقانونی به دست می‌آورد. براساس قانون، کلاه

متوسط	۴۳	٪۲۹،۱
زیاد	۳۴	٪۲۳
خیلی زیاد	۲۰	٪۱۳،۵
جمع	۱۴۸	٪۱۰۰

به‌نظر شما بین قاضی مرد و زن در رسیدگی به پرونده تفاوت وجود دارد؟

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
خیلی کم	۳۷	٪۲۴،۵
کم	۲۶	٪۱۷،۲
متوسط	۳۳	٪۲۱،۹
زیاد	۳۲	٪۲۱،۲
خیلی زیاد	۲۳	٪۱۵،۲
جمع	۱۵۱	٪۱۰۰

صحیح اقدام قانونی علیه بزهکاران را توأم با نحوه مطالبه خسارات، به بزه‌دیدگان نشان دهند. لازم به ذکر است که به تازگی چنین مراکزی در برخی از شهرهای ایران، ازجمله تهران راه‌اندازی شده است» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

باتوجه به داده‌های ذیل در رابطه با رسیدگی به پرونده در روال رسیدگی ایجاد مشاوره حقوقی امری ضروری است.

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
خیلی کم	۳۶	٪۳۱،۹
کم	۲۳	٪۲۰،۴
متوسط	۴۵	٪۳۹،۸
زیاد	۶	٪۵،۳
خیلی زیاد	۳	٪۲،۷
جمع	۱۱۳	٪۱۰۰

۲- «آموزش زنان در خودایمن‌سازی: یکی از وظایف بسیار مهم مراکز دولتی و غیردولتی که خود می‌تواند تحت شاخه‌ای مستقل قرار گیرد، «تلاش جهت آموزش خودایمن‌سازی» است که نه‌تنها در مورد زنان، بلکه درباره کلیه بزه‌دیدگان در مباحث بزه‌دیده‌شناسی و به‌عنوان راهکاری جهت حمایت از بزه‌دیده بالقوه توصیه می‌شود. روش‌های آموزش خودایمن‌سازی به زنان را می‌توان ارتقای سطح آگاهی زنان، تلاش برای احقاق حقوق خود و تقلیل فرصت‌های بزه‌دیده واقع‌شدن زنان اشاره کرد» (گلستانی، ۱۳۹۷: ۴).

در این رابطه داده‌های ذیل را داریم:

نظر شما تا چه اندازه رسیدگی به پرونده قضایی زنان همراه با حق کشی است؟

گزینه	فراوانی پاسخ	درصد فراوانی
خیلی کم	۲۷	٪۱۸،۲
کم	۲۴	٪۱۶،۲

۳- «تخصیص شبکه ارتباطی: از دیگر تدابیر و اقدامات لازم، تخصیص شبکه ارتباطی سریع برای وظیفه اطلاع‌رسانی به موقع وقوع یا نزدیک به وقوع‌بودن یک جرم مبتنی‌بر جنسیت است که اصولاً تحت عنوان تلفن‌های امداد یا خطوط بحران نام‌گذاری شده‌اند.

۴- ایجاد مراکز درمانی و بهداشتی: این مراکز به ارائه خدمات رایگان یا کم‌هزینه در ارائه هرگونه حمایت‌های روان‌پزشکی و پزشکی، مشاوره‌های روانی، پزشکی و بهداشتی به‌خصوص در زمینه روابط سالم جنسی به زنان بزه‌دیده می‌پردازند و اقداماتی را جهت شناسایی بزه‌دیده، کمک سریع به او و ترمیم آسیب‌های جسمی و روانی وارد بر زنان خشونت‌دیده نهادینه خواهند ساخت.

۵- کمیسیون‌های جبران خسارت: در روند حمایت از بزه‌دیدگان، وجود نهادهای دولتی که وظیفه ناظر بر جبران خسارت بزه‌دیده را بلافاصله پس از وقوع جرم و همچنین خسارت‌زدایی و ترمیم را در پایان فرآیند عدالت کیفری انجام

می‌دهند، امری ضروری است. کمیسیون‌هایی که با این اهداف تشکیل می‌شوند، به قضاات کیفری این امکان را خواهند داد تا در ترمیم شرایط مادی و معنوی بزه‌دیده موفق عمل کنند، نهادهایی که امروزه جای آن‌ها در کنار نظام عدالت کیفری خالی است. امکان جبران خسارت بزه‌دیدگان، جرم‌هایی که در آن‌ها مباشر جرم ناشناخته یا معسر است از طریق این کمیسیون‌ها فراهم می‌شود» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۷۲-۴۱).

۳- حمایت از زنان بزه‌دیده جرایم مالی با تدوین سیاست کیفری افتراقی

در این قسمت به بررسی حمایت از زنان بزه‌دیده جرایم مالی با تدوین سیاست کیفری افتراقی پرداخته می‌شود.

۳-۱- جرم‌انگاری‌های ویژه

جرم‌انگاری یا جرم تلقی کردن قانونی یک فعل یا ترک فعل، فرآیندی است که به‌وسیله آن، رفتارهای جدیدی به‌موجب قوانین کیفری، مشمول قانون کیفری می‌شود (گل‌افشانی، ۱۴۰۱: ۵۴).

«یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری یک «سیاست کیفری افتراقی» در قلمرو حقوق کیفری زنان بزه‌دیده، جرم‌انگاری برخی رفتارهای خاص در این عرصه است. جرایمی که فقط به‌دلیل خصوصیات ویژه بزه‌دیدگان آن‌ها، یعنی زنان ایجاد شده است و با جرم‌انگاری‌های عام در قلمرو حقوق کیفری متفاوت و متمایز است. برخلاف حقوق کیفری اطفال بزه‌دیده که جرم‌انگاری‌های ویژه در آن به‌منظور اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی در برابر بزه‌دیدگی کودکان از سابقه‌ای طولانی در عرصه سیاست جنایی برخوردار است و حقوق کیفری ایران نیز در این زمینه دارای نوآوری‌های فراوانی است» (زینالی، ۱۳۸۳: ۱۴۶-۱۰۱).

«در قلمرو بزه‌دیدگی زنان، حقوق کیفری در به‌کارگیری مکانیسم فوق پیشرفت چندانی نداشته است. فقط با بالا رفتن شعارهای حمایت از حقوق زنان تحت تأثیر جنبش‌های فمینیستی بود که در دهه‌های اخیر حداقل در مورد ضرب و جرح‌های خانگی قوانین جدید و مستقل به تصویب رسید که این خشونت‌ها را با جرم‌انگاری‌های خاص از قلمرو نظام

عمومی خارج ساخت و مشمول پاسخ‌های کیفری متفاوت از آن‌چه در برابر تعرضات علیه مردان اتخاذ می‌شود، نمود، هرچند در قوانین کیفری ایران جرمی به نام «همسرآزاری» وجود ندارد، اما قانون‌گذار در برخی زمینه‌ها به جرم‌انگاری ویژه در حمایت کیفری افتراقی از زنان مبادرت کرده است. در این زمینه می‌توان از ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی نام برد» (عظیم زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۱). براساس این ماده، «هرکس در اماکن عمومی یا معابر معترض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» یا ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «هرکس عالماً و عامداً با واسطه ضرب و اذیت زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد» و بالاخره «در زمینه جرم‌انگاری‌های خاص در قبال بزه‌دیدگی زنان می‌توان از ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی نام برد که ترک انفاق زن را با وجود داشتن استطاعت مالی و تمکین زن جرم دانسته و برای مرتکب مجازات حبس از سه ماه و یک‌روز تا پنج‌ماه پیش‌بینی نموده است. بدین‌سان در قبال تعرضات جسمانی علیه زنان نظیر قتل، ضرب و جرح، قانون‌گذار کیفری ما‌چه در درون خانه و چه بیرون از آن دست به جرم‌انگاری‌های خاص زده است. معمولاً قانون‌گذاران با اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی از طریق سازوکار جرم‌انگاری‌های ویژه دو هدف عمده را دنبال می‌کنند: ۱- با توجه ویژه به زنان در قانون کیفری از طریق جرم‌دانستن برخی رفتارهای خاص درصدد رساندن این پیام هستند که این اعمال دارای قبح شدید می‌باشند. در این رهیافت قانون کیفری بیشتر نقش ارزشی و توصیفی خود را ایفا می‌کند؛ ۲- از طریق جرم‌انگاری برخی رفتارها و پیش‌بینی پاسخ‌های متفاوت و شدیدتر برای آن‌ها درصدد بالابردن هزینه کیفری ارتکاب جرم علیه زنان است. در این رهیافت قانون کیفری نقش پیشگیری کیفری خود را از طریق تهدید بالقوه و بالفعل افراد به اعمال ضمانت اجرای کیفری ایفا می‌نماید» (بهرام‌نیا و نصیری سقرلو، ۱۳۹۶: ۱۸).

۳-۲- تشدید کیفر بزه‌کاران به‌دلیل زن‌بودن بزه‌دیده آن‌ها

«یکی از هزینه‌هایی که بزه‌کار بالقوه در مرحله ترسیم نقشه جنایی و به فعلیت‌رساندن آن مورد توجه قرار می‌دهد، هزینه

جرح عمدی نیز به کار رفته است. شاید بتوان به عنوان یکی از مصادیق امثالهم در مواد فوق‌الذکر از زن بودن بزهدیده نام برد. بنابراین می‌توان گفت که تشدید کیفر بزهکاران به دلیل زن بودن بزهدیدگان هرگز به عنوان یک سیاست منسجم و هماهنگ در سیاست کیفری ایران، اتخاذ نشده و در مواردی به‌ویژه در تعرضات جسمانی علیه زنان، عکس آن عمل شده است» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۸). قانون‌گذار کیفری ایران نه تنها در قبال تعرضات مجرمانه علیه زنان از یک سیاست کیفری افتراقی منسجم و هماهنگ پیروی نکرده است، بلکه به واسطه حمایت کیفری کمتر از آن‌ها در قبال برخی جرایم علیه تمامیت جسمانی آن‌ها نظیر قتل، قطع عضو و جرح، زمینه‌های «بزهدیدگی» آن‌ها را از طریق کاهش هزینه کیفری ارتکاب جرم بر روی آن‌ها فراهم نموده است.

نتیجه‌گیری

قوانین و مقررات ایران در مورد حمایت کیفری از بزهدیدگان خاص از انسجام کافی در باب حمایت جزایی از قربانیان و بزهدیدگان ویژه برخوردار نیست. در عین حال قوانین متشتت و غیرمنسجمی که در مورد بزهدیدگان خاص به تصویب رسیده، دلالت بر آن دارد که مقنن جزایی خودبه‌خود به‌صورت ناآگاهانه به آسیب‌پذیران در رویداد بزهدیدگی توجه کرده است، مضافاً این که مقنن به دلیل غفلت از داده‌های جرم‌شناسی و به دنبال آن عدم انطباق مقررات جزایی با آموزه‌های بزهدیده‌شناسی حمایتی مقررات تبعیض‌آمیزی درخصوص بزهدیدگان خاص تصویب کرده است. در مواردی که افراد آسیب‌پذیر، بزهدیده شده‌اند، متأسفانه برخوردهای مقطعی و غیرمنسجم مقنن با آن گواهی بر این ادعاست که اصولاً قانون‌گذار در راه اتخاذ رویکردهای حمایتی و افتراقی در رابطه با انواع ویژه بزهدیدگان آسیب‌پذیر موضعی روشن و مبتنی بر داده‌های بزهدیده‌شناسی ندارد. نگاهی اجمالی به قوانین جزایی ایران این حقیقت را آشکار می‌سازد که علاوه بر این که قوانین داخلی با خلأهای بسیاری از نظر قوانین حمایتی از بزهدیدگان خاص مواجه است، اساساً قانون‌گذار به دلیل تصویب قوانین پراکنده درخصوص بزهدیدگان خاص (به‌ویژه ناتوانان، زنان و سالمندان، پیروان

کیفری ناشی از ارتکاب جرم است. افراد آسیب‌پذیری نظیر زنان به دلیل ضعف‌های جسمی اهداف مناسب و مطلوبی برای بزهکاران هستند، بدین ترتیب دارای جذابیت خاص برای بزهکاران بوده و ارتکاب جرم بر روی آن‌ها خطر کمتری دارد و همین امر آن‌ها را در معرض بزهدیدگی مکرر قرار می‌دهد. به عنوان یکی از ابزارها در راستای غیر جذاب‌ساختن آماج‌های فوق و بالا بردن بهای جرم، مکانیسم تشدید مجازات بزهکارانی است که بزهدیدگان آن‌ها آسیب‌پذیرتر از سایر افراد جامعه هستند. این سازوکار نه تنها می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر شخصیت بزهکاران بالقوه در سازمان دادن فعالیت خود حول انگیزه‌های بزهکارانه، در پیشگیری از «بزهدیدگی اولیه» آن‌ها مؤثر باشد، بلکه از «بزهدیدگی مکرر» آن‌ها نیز جلوگیری می‌کند، چراکه به نظر می‌رسد میزان خطر وقوع بزه دوم، علیه بزهدیده، به نوع واکنش وی در قبال بزه اول بستگی دارد» (عظیم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

«بدین سان می‌توان بیان کرد که با مکانیسم تشدید کیفر بزهکاران در برابر تعرضات مجرمانه آن‌ها نسبت به زنان، قانون‌گذاران کیفری درصدد هستند تا با مداخله در اوضاع و احوال حاکم بر وضعیت ماقبل جنایی از طریق غیرجذاب‌ساختن آماج فوق برای بزهکاران بالقوه به سبب بالا رفتن هزینه کیفری ارتکاب جرم بر روی آن‌ها، با ایجاد یک مانع بازدارنده قوی، فرایند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه را عقیم ساخته و در طی طریق و حرکت فرایند جنایی اختلال ایجاد کرده و بدین ترتیب میزان بزهدیدگی زنان را کاهش دهند. نگاهی به قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که تشدید مجازات بزهکارانی که بزهدیده آن‌ها یک زن است، به عنوان یکی از مؤلفه‌های سیاست کیفری افتراقی مورد پذیرش قرار نگرفته است» (گلستانی، ۱۳۹۷: ۴). در این زمینه فقط از حکم ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی و آن هم به طور غیرمستقیم چنین سیاستی استنباط می‌گردد. براساس حکم این ماده قتل در موارد زیر عمدی است: «مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد، نوعاً کشنده نیست، ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن‌ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن‌ها آگاه باشد» و «چنین حکمی براساس بند «ج» ماده ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی در مورد قطع عضو و

- رستگار خالد، امیر؛ سلمانی بیدگلی، مسعود و آران دشتی، سمیه (۱۳۹۳). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه شهر آران و بیدگل)». *مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۱(۴): ۸۵-۱۱۸.

- رضاقلی، مهسا (۱۴۰۰). «تلاش‌های ملی و فراملی در راستای حمایت از زنان خشونت‌دیده با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد». *مجله راه و کالت*، ۲۵(۳): ۵۹-۷۶.

- رهگذر، الهام (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی ساختاری و ناشی از قوانین زنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد هما داودی گرمارودی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

- زینالی، حمزه (۱۳۸۳). «اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آن‌ها». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳(۳): ۱۰۱-۱۴۱.

- طفرانگار، حسن (۱۳۸۷). «جایگزین‌های کیفر حبس در قلمرو نظام عدالت کیفری زنان». *ماهنامه اصلاح و تربیت*، ۱۵(۷۴): ۱۵-۱۸.

- عظیم‌زاده، شادی (۱۳۸۴). «پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت». *مجله حقوق دادگستری*، ۱۴(۵۳-۵۲): ۲۰۵-۲۵۲.

- گل‌افشانی، نرگس (۱۴۰۱). *مبانی و مؤلفه‌های بزه‌دیدگی و بزهکاری زنان*. چاپ اول، تهران: انتشارات بید.

- گلستانی، حسین (۱۳۹۷). *بررسی و تحلیل قاچاق زنان با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. همدان: سومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق - وکالت و علوم اجتماعی.

- لعلی، عاطفه (۱۳۹۶). *بررسی رویکرد قانون در حمایت از بزه‌دیدگی زنان*. چاپ اول، تهران: انتشارات بازاندیشی.

- معتمدی مهر، مهدی (۱۳۸۰). *حمایت از زنان در برابر خشونت (سیاست جنایی انگلستان)*. چاپ اول، تهران: انتشارات برگ زیتون.

حقوق جزایی را از درک یک سیاست جنایی مطلوب و متناسب عاجز نموده است. باتوجه به این‌که جرایم مالی علیه زنان روند فزاینده‌ای داشته و شاهد اخبار متعددی در رسانه‌ها درخصوص کلاهبرداری و سایر جرایم مالی علیه زنان با هدف ازدواج، مهاجرت و شراکت در سرمایه‌گذاری و نظایر آن هستیم، لازم است قانون‌گذار در مقابله با این نوع جرایم و باتوجه به آسیب‌پذیری زنان در این خصوص، قوانین حمایتی ویژه‌ای وضع نماید که جنبه بازدارندگی لازم داشته باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، حمید؛ شایگان، فریبا؛ هندیانی، عبدالله و احمدی مقدم، اسماعیل (۱۴۰۰). «شاخص‌های تدوین راهبردهای پلیس برای پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان». *مجله مطالعات پلیس زن*، ۳۴(۴): ۷۸-۱۰۰.

- الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه (۱۳۸۵). «بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی». *مجله دادرسی*، ۲۵(۵۶): ۲۴-۲۷.

- بهرام‌نیا، سردار و نصیری سقرلو، اقلیمه (۱۳۹۶). *رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال خشونت علیه زنان*. شیراز: کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی در شیراز.

- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۲). «ارزیابی تحولات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در باب قصاص و دیه‌ی زن». *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۵(۶۰): ۴۱-۷۲.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۴). بزهدیدگی زنان (مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری). چاپ اول، تهران: نشر سلسبیل.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری (مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری). چاپ اول، تهران: انتشارات سلسبیل.

- وان دیک، یان جی. ام (۱۳۸۷). «درآمدی به بزهدیده‌شناسی (از سرزنش بزهدیده تا حمایت از بزهدیده)». ترجمه مهرداد رایجیان اصل، نشریه تحقیقات حقوقی، ۴۸: ۴۳۱-۴۵۹.

- وجدانی فخر، مهدیه و دارابی، شهرداد (۱۴۰۱). «تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی شروع به قتل عمد با تأکید بر بزهدیدگی زنان». مجله کارآگاه، ۵۹(۳): ۱-۱۸.

